

همزیستی با جنگل: دانش سنتی اکولوژیکی جنگل‌نشینان ارسباران در استفاده از درختان جنگلی

باقر خالقی^۱، محمد عوافی‌همت^{۲*}، تقی شامخی^۳ و انوشیروان شیروانی^۲

^۱ دانشجوی دکتری مسائل اجتماعی- اقتصادی جنگل، دانشکده منابع طبیعی دانشگاه تهران
^۲ استادیار گروه جنگلداری و اقتصاد جنگل، دانشکده منابع طبیعی دانشگاه تهران
^۳ استادیار گروه جنگلداری و اقتصاد جنگل، دانشکده منابع طبیعی دانشگاه تهران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱/۲۸؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۰/۱۹)

چکیده

دانش سنتی اکولوژیک دانش انباشته‌شده، مهارت‌ها و تکنیک‌های جامعه خاص است که از تعامل مستقیم با محیط زنده منتج شده است. این پژوهش با هدف بررسی دانش سنتی اکولوژیک روستاییان جنگل‌های ارسباران در مورد استفاده‌های چوبی، علوفه‌ای و دارویی از درختان جنگلی محیط آنها انجام گرفته است. جامعه انسانی مورد مطالعه در تحقیق حاضر اهالی روستاهای کلاثور، خریل، خوینه‌رود و بالان از شهرستان کلیبر و روستای وایقان از شهرستان خداآفرین بودند. روش پژوهش مردم‌نگاری است و ابزار جمع‌آوری اطلاعات شامل مصاحبه ساختارنیافته، نیمه‌ساختاریافته و مشاهده مشارکتی است. نتایج نشان داد که دانش محلی استفاده از اندام‌های مختلف درختان در پنج بخش استفاده‌های سوختی، علوفه‌ای، دارویی، ساخت ابزار و مصالح ساختمانی است. در کل جامعه محلی مورد بررسی از بیست گونه چوبی استفاده می‌کنند. هشت گونه چوبی دارای اندام‌هایی برای استفاده‌های دارویی‌اند. تیره رز بیشترین گونه‌های مورد استفاده و گونه بلوط بیشترین مجموع استفاده‌ها را دارند. غنای دانش موجود برای استفاده‌های محلی، به دلیل در دسترس بودن منابع جایگزین برای برخی استفاده‌ها و همچنین راحتی دسترسی به انواع درختان برای استفاده‌های مختلف، متفاوت است.

واژه‌های کلیدی: جنگل‌های ارسباران، خوینه‌رود، دانش بومی، زبان ترکی، کلاثور، محصولات غیرچوبی.

مقدمه

دست نیافتن طرح‌های مذکور به نتایج پیش‌بینی‌شده است. بنابراین دولت‌ها، سازمان‌ها و بنیانگذاران عمده توسعه جهانی به مرور پی برده‌اند که مشارکت مردم محلی برای طرح‌های توسعه که نتایج آن باید پایدار باشد، ضروری است (Agrawal, 1995; Farhadi, 2011). برگزاری کنفرانس محیط‌زیست و توسعه سازمان ملل متحد^۱ در ژوئن ۱۹۹۲ در شهر ریو، بر شناخت

به اعتقاد بسیاری از متخصصان و کارشناسان، بی‌توجهی به نقش مردم مناطقی که طرح‌های توسعه در آنها اجرا می‌شود، از سویی و عدم لحاظ دانش و آگاهی‌های مردمی و بی‌توجهی به پیچیدگی و درهم‌تنیدگی جنبه‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و فنی چنین طرح‌هایی در فرایند توسعه، از موارد مهم

(از جمله انسان) با یکدیگر و با محیط آنهاست (Berkes et al. 2000; Davis & Ruddle, 2010). همهٔ دانش اکولوژیکی سنتی معقول نیست. همهٔ شیوه‌های سنتی و باورهای محیط‌زیستی سازگار نیستند. برخی در طول زمان با توجه به تغییر شرایط، ناسازگار می‌شوند، معانی‌شان را از دست می‌دهند یا در طول زمان راکد یا بی‌ربط می‌شوند (Berkes et al., 2000; Charnley et al., 2007). دانش سنتی اگر با احتیاط به کار رود، می‌تواند شکاف‌های بسیار مهم در درک محیط‌زیست را پر کند. این دانش‌ها نقش مهمی در مدیریت منابع طبیعی دارند، چراکه می‌توان از آنها به‌عنوان منبع اطلاعات در حفاظت از محیط‌زیست، مدیریت و استفادهٔ پایدار از منابع طبیعی و همچنین مشارکت مردم در زمینهٔ حفاظت و مدیریت این منابع و همچنین در امر نظارت پروژه‌ها توسط مردم محلی استفاده کرد (Charnley et al., 2007).

Bazgir et al. (2015) در مقاله‌ای به بررسی شناخت شیوه‌های استفادهٔ مردم محلی از چوب جنگل‌های شهرستان خرم‌آباد استان لرستان به عنوان منبع انرژی پرداخته‌اند. این تحقیق به روش مردم‌نگاری با ابزار مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته و ساختارنیافته، و مشاهدهٔ مشارکتی صورت گرفته است. محققین به تشریح انواع استفاده‌های محلی از چوب درختان به عنوان منبع انرژی پرداخته‌اند و نشان داده‌اند روستاییان و عشایر محلی دانش بومی قابل توجهی در استفاده از چوب درختان دارند. Avatefi Hemmat, (2006) در پژوهشی به بررسی دانش روستاییان در مورد منابع طبیعی محیط آنها در روستای چتن شهرستان نوشهر پرداخت. تحقیق مذکور با استفاده از ابزار مصاحبه و مشاهدهٔ مشارکتی انجام گرفته و به استفاده‌های کشاورزی از چوب درختان جنگلی پرداخته است و این استفاده‌ها را شامل قیم، روشا، پایه، اجار، تلی کنار و لارده بس ذکر کرده است. (Martins et al. (2012) در تحقیق خود به

بین‌المللی از دانش سنتی و به‌ویژه دانش سنتی کشاورزی و محیط‌زیست برای توسعه تأکید کرد، البته دیگر اسناد بین‌المللی و از آن جمله کمیسیون جهانی محیط‌زیست و توسعه^۱ در ۱۹۸۷ و اجلاس جهانی توسعهٔ پایدار در ۲۰۰۲ نیز بر نقش مهم دانش سنتی در حفاظت از تنوع زیستی و توسعهٔ انسانی تأکید کرده‌اند. یکی از وظایف دولت‌ها، که در همهٔ جلسات از آن سخن به میان آمده، گنجاندن تمام نظام‌های دانش و از آن جمله دانش سنتی در چارچوب حمایت و حفظ محیط‌زیست است (Sanga & Ortalli, 2003).

دانش سنتی دانش انباشته‌شده، مهارت‌ها و تکنیک‌های جامعهٔ مشخصی است که از تعامل مستقیم با محیط منتج شده است (Bicker et al., 2004; Verlinden & Dayot, 2005). دانش سنتی حاصل فرایند یادگیری و آزمون و خطای چنددهه‌زسالهٔ یک جامعه در ارتباط با محیط پیرامون خود است. بدیهی است که این دانش حاصل کنش و واکنش انسان با طبیعت است و آینهٔ تمام‌نمایی از ویژگی‌های اقلیمی و خصوصیات طبیعت گیاهی و جانوری یک منطقه و از آن مهم‌تر روابط متقابل آنها با هم و با انسان ارائه می‌دهد. با در اختیار داشتن این اطلاعات ارزشمند می‌توان طبیعت و اجزای آن را پیش‌بینی کرد و هوشمندانه از نیروهای نهفته در آن بهره برد، به نحوی که هم تعادل بین مجموعه‌ای موجود حفظ شود و هم نیازهای جامعهٔ انسانی ساکن در آن تأمین گردد (Emadi & Abbasi, 1999). در دو دههٔ گذشته، تعاریف متعددی از دانش اکولوژیکی سنتی ارائه شده است که همگی به لحاظ مفهومی معانی مشابهی دارند (Berkes et al., 2000; Charnley et al., 2007). برکز، کلدینگ و فیشر آن را مجموعه‌ای انباشته از دانش، عمل و باور تعریف کرده‌اند که از طریق انتقال فرهنگی در بین نسل‌های مختلف منتقل شده و در مورد رابطهٔ موجودات زنده

¹ World Commission on Environment and Development (WCED)

کهنسال روستاهای کلاثور و خوینه‌رود به زبان تاتی نیز با یکدیگر تکلم می‌کنند.

محدوده سامان عرفی روستاهای مورد بررسی، زیستگاه حیواناتی همچون گراز، خرس قهوه‌ای، گربه جنگلی، خرگوش، شغال، روباه معمولی، قوچ، سیاه خروس قفقازی، کبک، قرقاول و... است. گونه‌های گیاهی چوبی که به‌وفور در این سامان‌های عرفی وجود دارند عبارت‌اند از: ممرز، بلوط، زغال اخته، آلوچه، انار وحشی، زالزالک، کیکم، هفت‌کول و... .

روش پژوهش

برای پژوهش مورد نظر از روش تحقیق مردم‌نگاری بهره گرفته شده است. قوم‌نگاری^۳ یا مردم‌نگاری ریشه در انسان‌شناسی دارد و به معنای نوشتن درباره شیوه زندگی هر قوم یا اجتماع است. این راهبرد پژوهش را بررسی میدانی یا حتی کار میدانی نیز می‌نامند؛ زیرا کار میدانی بخشی اساسی از آن است. محقق قوم‌نگار، با گذراندن وقت خود در میدان تحقیق، به توصیف اعتقادات، فرهنگ و شیوه زندگی افراد پژوهش شده می‌پردازد (Riemer, 2008). طی این تحقیق، محقق مدت زمانی طولانی را (گاهی چند سال) در جامعه‌ای هدف زندگی می‌کند و به‌واسطه آن، مشاهداتی دقیق از شیوه زندگی مردم محلی انجام می‌دهد. در تحقیقات قوم‌نگاری اغلب از دو روش مشاهده و مصاحبه برای جمع‌آوری اطلاعات استفاده می‌شود.

این پژوهش نیز با اسکان محقق در روستای کلاثور در مردادماه ۱۳۹۳ آغاز شد. هنگام اسکان در روستای کلاثور، روستاهای خوینه‌رود و خریل نیز با توجه به فاصله نزدیک آنها از روستای مذکور، بررسی شدند. پس از اتمام بررسی سه روستای مذکور، بررسی روستاهای بالان و وایقان در شهریور ادامه یافت. در کل، مرحله اول حضور محقق در عرصه ۴۹

موارد استفاده از یک درخت نخل بومی در برزیل به نام بوریتی^۱ به روش مصاحبه پرداخته است. جامعه انسانی مورد مطالعه در این تحقیق ۸۸ خانواده از ساکنان منطقه سرادو^۲ بودند. نتایج کلی این تحقیق نشان داد که استفاده مردم محلی از اجزای مختلف این درخت در طبقات غذایی، دارویی/آرایشی، ساختمان، صنایع دستی، استفاده مستقیم، کود و علوفه است.

در جنگل‌های ارسباران با اینکه پژوهش‌های متعددی در زمینه‌های اکولوژیکی و مدیریتی صورت گرفته، بررسی مسائل اجتماعی و دانش سنتی مرتبط با منابع طبیعی تجدیدشونده، کمتر موضوع بررسی بوده است. تحقیق حاضر جزء اولین تلاش‌هایی است که به بررسی مسائل اجتماعی در جنگل‌های ارسباران پرداخته است و هدف آن، بررسی، تحلیل و هویدا ساختن بخشی از دانش بومی و سنتی جنگل‌نشینان آن دیار در استفاده از درختان جنگلی است.

مواد و روش‌ها

منطقه تحقیق

این پژوهش در سامان عرفی روستاهای کلاثور، خوینه‌رود، خریل و بالان از توابع دهستان میشه‌پاره شهرستان کلبر و وایقان مقدس از توابع دهستان منجوان غربی شهرستان خداآفرین استان آذربایجان شرقی صورت گرفته است. جمعیت خانوارهای دائم روستاهای کلاثور، خریل، خوینه‌رود، بالان و وایقان به ترتیب ۱۰۷، ۹۶، ۳۱، ۹۰ و ۴۹ نفر است. بیشتر مردم به دامداری مشغول‌اند و به‌صورت مختصر و در برخی موارد برای تأمین نیازهای خود، کشاورزی می‌کنند. نزدیک‌ترین ایستگاه هواشناسی به منطقه مورد بررسی ایستگاه کلبر است. میانگین بارش سالانه در این ایستگاه در یک دوره ۲۰ ساله، ۴۶۱ میلی‌متر بوده و دارای تغییرات شدید بین‌سالی است، به طوری که از ۲۰۰ تا ۶۸۶ میلی‌متر متغیر بوده است. زبان رایج بین مردم ترکی است، اما افراد

¹ Buriti

² Cerrado

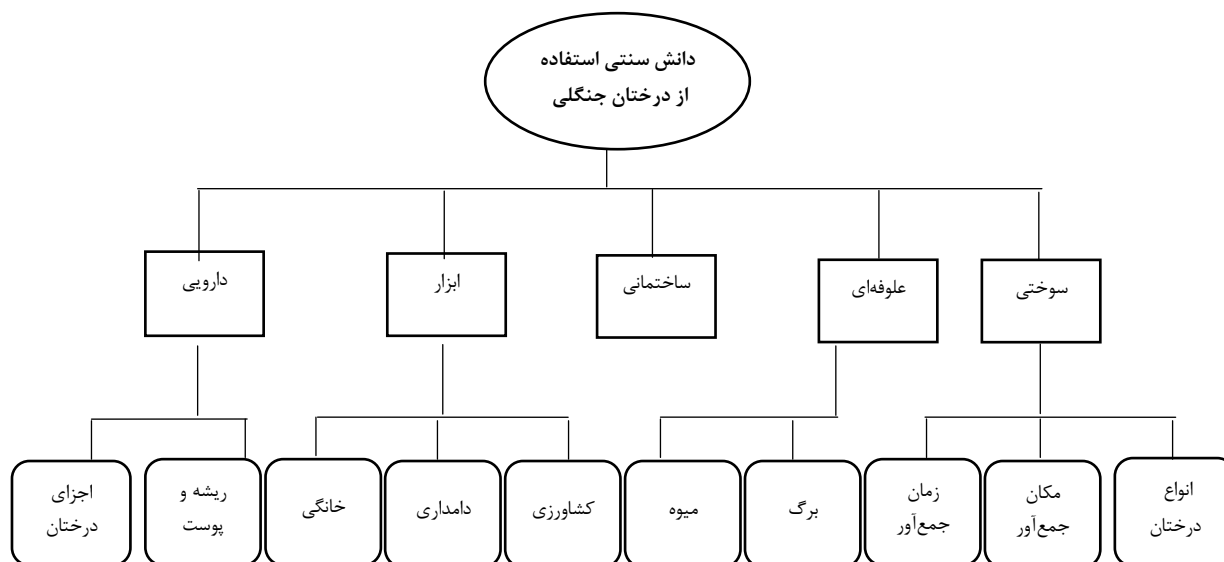
³ Ethnography

تحقیق شرکت کردند. ۲۴ مصاحبه به صورت گروهی و ۴۳ مصاحبه به صورت فردی انجام گرفت. تحلیل یافته‌ها و تدوین گزارش به صورت مقوله‌بندی صورت پذیرفت.

نتایج

مردم منطقه مورد بررسی، طی سال‌ها زندگی در محیط طبیعی، اطلاعات و دانش‌هایی از درختان جنگلی موجود در محیط طبیعی به دست آورده‌اند که این شناخت بیشتر برای برآورده ساختن بسیاری از احتیاجات زندگی از درختان جنگلی شکل گرفته و بقای زندگی و در برخی موارد راحتی و استفاده بهینه از طبیعت را فراهم آورده است. در این بخش دانش سنتی مردم در مورد استفاده‌هایی که مردم از چوب و برگ درختان جنگلی دارند، آورده می‌شود. این دانش سنتی، شامل پنج بخش است که در شکل ۱ آمده است. در ادامه مشروح این استفاده‌ها و انواع دانش محلی موجود در مورد هر بخش تشریح می‌شود.

روز به طول انجامید. برای رفع برخی نواقص و تکمیل برخی اطلاعات، مرحله دیگری از اواخر خردادماه ۱۳۹۴ در روستاهای مذکور سپری شد که یازده روز به طول انجامید. در ابتدای تحقیق با استفاده از ابزار مشاهده حجم زیادی از اطلاعات اولیه، البته به صورت ناقص، به دست آمد، که مشخص‌کننده بخشی از سؤال‌های مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته بود. همچنین در ابتدای کار، مصاحبه‌های اولیه به صورت ساختاریافته و با افراد مختلف به صورت انفرادی و گروهی صورت پذیرفت و از آنها اطلاعات اولیه‌ای در مورد موضوع تحقیق و افراد مطلع به دست آمد. پس از این مرحله و با روشن شدن برخی از جوانب تحقیق، مصاحبه‌ها به صورت نیمه‌ساختاریافته و با روش نمونه‌برداری گلوله‌برفی ادامه یافت. جمع‌آوری اطلاعات از افراد محلی تا جایی که محقق دیگر اطلاعات شایان توجهی از مصاحبه‌ها در مورد موضوع مورد نظر به دست نمی‌آورد و پاسخ سؤال‌های اساسی را دریافت کرده بود، ادامه یافت. در مجموع ۹۷ اطلاع‌رسان (۱۴ زن و ۸۳ مرد) در قالب ۶۷ مصاحبه در این



شکل ۱- دانش سنتی در استفاده از درختان جنگلی

تراکم بیش از حد درختان است.^۱ این تراکم زیاد سبب می‌شود که به‌اندازه کافی هیزم در دسترس باشد. مردم روستای کلاثور عمده هیزم خود را از دامنه‌های پرشیب اطراف روستا تأمین می‌کنند. به‌دلیل شیب زیاد، حمل هیزم با مشکل مواجه می‌شود. مردم برای حل این مشکل، در کریدورهایی از جنگل درختان را در راستای شیب و از بالا تا پایین کوه به پهنای ۴ تا ۶ متر قطع می‌کنند و پس از قطع درختان، قطعه‌های چوب را در این دالان‌ها قرار می‌دهند تا پایین دامنه سر بخورد. این روش موجب می‌شود درختان با قطر بیش از ۲۰ سانتی‌متر نیز قابل برداشت باشند؛ درحالی‌که حمل آنها با نیروی انسان و حیوان کمتر ممکن است. اگر محل‌های جمع‌آوری هیزم در فاصله دوری از روستا باشند، حمل آنها با استفاده از قاطر صورت می‌گیرد. شاپان ذکر است که در زمستان در صورت نبود نفت، بار هیزم یک قاطر برای دو تا سه روز نیاز یک خانواده کفایت می‌کند.

روستاییان به‌دلیل منافع حاصل از درختان میوه جنگلی (ازگیل^۲، گلابی وحشی، آلوچه جنگلی و...)، از قطع آنها خودداری کرده و سعی می‌کنند تا حد امکان از چوب سایر درختان همانند افرا، ممرز و بلوط استفاده کنند. به‌گفته روستاییان دو گونه آلوچه جنگلی و زالزالک بهترین نوع هیزم را تولید می‌کنند؛ چراکه چوب آنها گرمای بسیاری تولید می‌کند و مداومت گرمایی بالایی دارد. اما درخت سفیدکوکو در این مورد بسیار بی‌غیرت است (زود به خاکستر تبدیل می‌شود). در کل هیزم درخت بلوط، به‌دلیل فراوانی در منطقه، قابلیت دسترسی و گرمادهی بیشتر، به مقدار زیادی استفاده می‌شود. به‌گفته روستاییان هیزم‌ها پس از یک سال ذخیره شدن کیفیت خود را از نظر گرمایشی از دست می‌دهند و حین سوختن، زودتر خاکستر می‌شوند. همچنین مردم محلی سوختن

* دانش سنتی استفاده‌های سوختی: هیزم جمع‌آوری شده در منطقه مورد بررسی، اغلب با هدف فراوری محصولات لبنی و گرم کردن آب مورد استفاده برای استحمام و گرمایش خانه‌ها و طولیه‌ها به‌کار می‌رود. روستاییان برای جمع‌آوری هیزم، درختان به‌خصوصی را انتخاب می‌کنند. همچنین عمل برداشت را از مکان‌های خاص و در زمان خاصی انجام می‌دهند که جزییات این موارد در زیر آمده است.

روستاییان در تابستان به‌دلیل درگیر بودن در جمع‌آوری علوفه و همچنین گرم بودن هوا، به‌صورت محدودی هیزم جمع‌آوری می‌کنند. هیزم جمع‌آوری شده در تابستان به‌عنوان ماده سوختی برای فراوری مواد لبنی و همچنین گرم کردن آب استحمام استفاده می‌شود. در تابستان به‌علت نیاز کم به هیزم، اهالی اغلب هنگام برگشت از علفزارها به روستاها، اگر درخت خشک‌شده‌ای را مشاهده کنند، آن را بار قاطر کرده و به‌عنوان هیزم ذخیره می‌کنند. جمع‌آوری هیزم اغلب در اواخر پاییز و با شروع سرمای هوا انجام می‌گیرد، چراکه بیشترین مقدار هیزم مصرفی در زمستان است. اما برخی اوقات هیزم مصرفی خانواده‌ها در میانه‌های زمستان به اتمام می‌رسد. در این مواقع از درختان نزدیک روستا که دسترسی راحت‌تری به آنها وجود دارد و حمل آنها نیز به‌آسانی صورت می‌گیرد، بهره برده می‌شود.

مردم روستاهای مورد بررسی، اغلب برای جمع‌آوری هیزم از درختان جنگلی واقع در نزدیکی روستاها بهره می‌برند، چراکه به‌دلیل صخره‌ای بودن منطقه و شیب زیاد آن و همچنین نبود راه‌های دسترسی مناسب، امکان حمل هیزم از مناطق دور دست وجود ندارد. البته دلیل دیگری که مردم برای جمع‌آوری هیزم اطراف روستا بیان می‌کنند

^۱ جنگل‌های منطقه ارسباران به دلیل شاخه‌زاد بودن بسیار متراکم‌اند

و عبور و مرور در این جنگل‌ها به‌سختی صورت می‌گیرد.

^۲ نام علمی و محلی گونه‌ها در جدول ۲ آمده است.

درختان برای سرشاخه‌زنی وابسته نزدیکی درختان به روستا، خوشخوراک بودن برگ، زمان برگ‌دهی و خزان است.

به گفته افراد محلی، به دلیل مشغله مردان روستا در اواخر بهار و در طول تابستان، کار قطع سرشاخه‌ها و حمل آنها به روستا اغلب توسط زنان و افراد نوجوان صورت می‌گیرد. به این دلیل، درختان نزدیک روستا مورد توجه قرار می‌گیرند. براساس تجربه مردم محلی، درخت آلوچه جنگلی خوشخوراک‌ترین برگ‌ها را برای تغذیه دام‌ها دارد. برعکس برگ درخت گردو بدترین نوع آن برای تغذیه دام‌هاست. درخت آلوچه جنگلی به علت برگ‌های بسیار نرم مورد توجه دام‌هاست، اما به دلیل ارزش میوه آن برای انسان، بسیار کم یا در برخی روستاها اصلاً قطع نمی‌شود. سرشاخه‌های درختان افرا، کرب، ون، سفیدکرو و ممرز برای تغذیه دام‌ها قطع می‌شوند. نکته‌ای که بر آن تأکید می‌شود پرقوت بودن برگ درختان افراست و به رشد زود هنگام دام‌های کوچک کمک شایانی می‌کند. اما گونه‌های خاردار زالزالک، سیاه‌تلو و نسترن وحشی برای تغذیه دام‌ها استفاده نمی‌شوند. همچنین برگ‌های درخت بلوط به مصرف دام‌های بالغ می‌رسد و از آنها برای تغذیه دام‌های نابالغ استفاده نمی‌شود.

به بیان اهالی روستاهای مورد بررسی، دلیل دیگری که موجب قطع سرشاخه‌های درختان خاصی برای تغذیه دام‌ها می‌شود، زمان برگ‌دهی درختان است. به عبارت دیگر، در اوایل بهار درختانی که زودتر به برگ می‌نشینند، نسبت به بقیه درختان در اولویت قرار می‌گیرند و درختانی که دیرتر خزان می‌کنند، در اواخر فصل رویش گیاهی به کار می‌روند. به این ترتیب سرشاخه‌های درخت سفید کرب که در اوایل بهار زودتر از سایر درختان به برگ می‌نشینند، برای تغذیه دام‌ها به کار می‌رود. سپس درختان ممرز و افرا به کار می‌روند. البته برخی از روستاییان در فصل پاییز در کنار قطع سرشاخه برخی درختان، به جمع‌آوری برگ‌های درختان خزان کرده نیز می‌پردازند و برگ

چوب درختچه چتنه را با تولید دود و سروصدا می‌شناسند که استفاده از آن را مشکل می‌کند. به طوری که زنان روستایی هنگام فراوری لبنیات و پخت نان، به هیچ‌وجه از این نوع هیزم استفاده نمی‌کنند؛ چراکه تنفس را مشکل می‌کند و موجب مشکلات بینایی می‌شود.

به طور کلی می‌توان گفت که مردم محلی از گونه‌های متنوع و با قطرهای مختلف، برای استفاده‌های گوناگون بهره می‌گیرند. برای گرمایش، در بیشتر موارد از هیزم گونه‌های بلوط و ممرز، با قطرهای ۷ تا ۱۲ سانتی‌متر، برای استحمام، از هیزم گونه‌های بلوط، ممرز، افرا و به صورت خیلی محدود گونه زالزالک، با قطرهای ۵ تا ۱۵ سانتی‌متر، و برای فراوری مواد لبنی و در برخی موارد پخت غذا از هیزم گونه‌های ممرز، بلوط و افرا، با قطرهای ۵ تا ۸ سانتی‌متر استفاده می‌کنند.

*** دانش سنتی استفاده علوفه‌ای:** یکی از استفاده‌هایی که از عرصه جنگلی صورت می‌گیرد استفاده از برگ درختان به عنوان علوفه مورد نیاز دام‌هاست. به گفته روستاییان، از برگ‌ها بیشتر برای تغذیه دام‌های نابالغ بهره گرفته می‌شود که توانایی رفتن به بیلاق را ندارند و اغلب در طویله‌ها نگهداری می‌شوند. برای این کار ابتدا سرشاخه‌های درختان نزدیک روستا را با داس مخصوص قطع می‌کنند و آنها را با طناب مخصوصی^۱ می‌بندند که بسته حاصله را شل می‌نامند (شکل ۲). این عمل از زمان برگ دادن درختان شروع می‌شود و تا زمان ریزش برگ‌ها ادامه پیدا می‌کند. مردم روستایی جمع‌آوری برگ‌های درختان به این شکل را هر روزه و خانواده‌هایی که تعداد بیشتری دام کوچک دارند در یک روز، چندین مرتبه انجام می‌دهند. هر یک بسته شل برای تغذیه یک روز پنج بره یا گوساله کافی است. انتخاب

^۱ این طناب مخصوص چاتی نام دارد که از طریق بافتن موی بز حاصل می‌شود.

* دانش سنتی استفاده از چوب در ساخت ابزار:

یکی از مهم‌ترین استفاده‌هایی که از چوب درختان جنگلی صورت می‌گیرد، کاربرد آنها در ساخت ابزار کشاورزی، خانگی و دامداری است. به بیان افراد محلی، عوامل مهمی که در انتخاب چوب انواع درختان برای ابزار مختلف دخیل‌اند عبارت‌اند از: استحکام، خمش‌پذیری، وزن چوب و سراسر بودن شاخه‌ها. از نظر روستاییان چوب سه درخت ون، آردوج و چتنه بیشترین استحکام و مقاومت را در بین درختان دارند. از لحاظ خمش‌پذیری درخت ون مطلوبیت بسیاری دارد و چوب درخت بید نیز دارای خمش‌پذیری خوبی است. چوب درختان بید سبک و چوب درختان بلوط و آردوج سنگین است. از لحاظ سراسر بودن درخت بید را بی‌نظیر ذکر می‌کنند. در کنار بید، شاخه‌های درختان افرا و ممرز نیز چنین ویژگی‌ای دارند. اما درخت بلوط دارای شاخه‌های کج و معوج است. مردم سعی می‌کنند تمام ابزارهای چوبی را از درختان جنگل تأمین کنند. در زیر این استفاده‌ها به تفکیک تشریح شده است.

ابزارهای کشاورزی

بیل: مردم روستایی از چوب درختان ون، بید و بلوط برای ساخت دسته بیل بهره می‌گیرند. برای این کار شاخه درختان مورد نظر با قطر حدود ۴ سانتی‌متر و طول نزدیک به ۱۷۰ سانتی‌متر انتخاب می‌شود. این طول سبب می‌شود که در بیشتر موارد درخت بلوط به سبب چوب کج و معوج شرایط لازم را نداشته باشد. همچنین یکی از موارد دیگری که سبب کاربرد کمتر چوب بلوط می‌شود، سنگینی آن است. اغلب از چوب بلوط برای ساخت بیل‌های دارای دسته کوتاه بهره برده می‌شود. اما به بیان مردم دو درخت ون و بید دارای شاخه‌های سراسر هستند که هر کدام فواید خاصی دارد. از جمله درخت ون در مقایسه با درخت بید سنگین‌تر است، اما انعطاف‌پذیری و استحکام بیشتری نسبت به چوب

انواع درختان را در گونی‌هایی جمع کرده و برای مصرف می‌ش‌ها و گوساله‌ها به روستا منتقل می‌کنند. دام‌های بالغ نیز در عرصه جنگل از برگ‌های درختان تغذیه می‌کنند. این عمل در مرزهای جنگل یا در مناطق جنگلی تنک صورت می‌گیرد؛ دام‌ها هنگام تعلیف علوفه کف این مناطق، از برگ‌های درختان هم استفاده می‌کنند. تعلیف دام‌ها در مناطق جنگلی متراکم به ندرت صورت می‌گیرد. اهالی اعتقاد دارند در جنگل متراکم کیفیت علوفه مطلوب نیست و دام پس از مصرف آن دچار اسهال شده و حتی کیفیت شیر نیز دچار افت می‌شود. برگ‌های درختان خوشخوراک ذکر شده در بالا برای دام‌های نابالغ، مطبوع دام‌های بالغ نیز است، اما در کنار تعلیف این برگ‌های خوشخوراک، از برگ‌های سایر درختان همانند بلوط و بید نیز بهره گرفته می‌شود. البته چوپان‌ها بیان می‌دارند که بز از برگ‌های همه درختان استفاده می‌کند. درختان بید که اغلب در دره‌های دارای آب جاری رشد کرده‌اند، هنگام مراجعت دام‌ها برای بهره‌گیری از آب، مورد چرای دام‌ها قرار می‌گیرد.

استفاده دیگر جنگل در تغذیه دام‌ها که البته بسیار محدود است، کاربرد میوه درخت بلوط برای تغذیه دام‌هاست. این استفاده در عرصه صورت می‌گیرد و بذره‌های بلوط به صورت تر استفاده می‌شوند. میوه درخت بلوط در اثر بادهای پاییزی منطقه، به زمین می‌ریزد و دام‌ها از آنها تغذیه می‌کنند. میوه این درخت به خصوص برای تغذیه بزها استفاده می‌شود. دامداران، تغذیه دام‌ها از بذر بلوط را عامل بهبود کیفیت شیر دام می‌دانند. همچنین روستاییان مصرف میوه بلوط را در رفع انگل‌های داخلی دام مؤثر می‌دانند.

^۱ به علت متراکم بودن بیش از حد جنگل‌های مناطق مورد بررسی، پوشش علفی کف جنگل بسیار ضعیف است که دام‌ها تمایل زیادی برای تعلیف از آنها ندارند. همچنین این پوشش متراکم در برخی موارد حتی برای رفت و آمد دام‌ها مشکل ایجاد می‌کند.

قیم: در بوستان‌های خانگی^۲، چوب‌های درخت ممرز با قطر ۲ تا ۳ سانتی‌متر و طول ۱۳۰ سانتی‌متر در کنار بوته‌های لوبیا به زمین کوبیده می‌شوند تا بوته‌ها دور آن بیچند و بالا روند. براساس تجربیات روستاییان این عمل به رشد بیشتر بوته‌ها و پرمحصول شدن آنها کمک می‌کند.

ابزارهای دامداری

چوب‌دستی چوپان: چوب‌دستی چوپان‌ها به طول ۱۵۰ سانتی‌متر و قطر ۳ سانتی‌متر از درختان ون و ازگیل، درست می‌شود. چوب این دو درخت به سبب ظاهر زیبای آنها بیشتر مورد توجه چوپان‌هاست. هنگام آماده کردن چوب‌دستی، آن را در حرارت آتش قرار می‌دهند و این کار را علاوه بر ایجاد رنگ زیبا در افزایش استحکام چوب مؤثر می‌دانند.

دوغَنَخ: دوغَنَخ (شکل ۲) چوب دوشاخه‌ای است که قطر هر یک از شاخ‌ها ۲ تا ۳ سانتی‌متر است. همچنین طول شاخ بلندتر ۱۲ و طول شاخ کوتاه ۸ سانتی‌متر است. دوغَنَخ به طنابی به طول ۶ تا ۸ متر وصل می‌شود و برای بستن علوفه روی قاطرها یا حمل بسته‌های شَل استفاده می‌شود. در قسمت بالایی شاخ بلندتر، چوب را دورتادور خراطی می‌کنند تا سر طناب در شیار ایجادشده گره باشد و پایدار بماند. این وسیله اغلب از چوب بلوط ساخته می‌شود، چراکه باید محکم باشد و کشش و فشار زیاد را تحمل کند.

ابزارهای خانگی

کلنگ: در ساخت کلنگ از چوبی به طول ۷۰ سانتی‌متر و قطر ۴ تا ۵ سانتی‌متر استفاده می‌شود. برای عملکرد بهتر کلنگ و افزایش نیروی وارده به چوب‌های سنگین نیاز است که در بیشتر موارد از

درخت بید دارد. درخت بید در مقایسه با ون بسیار سبک است، اما عیب مهم آن، خم شدن در اثر رطوبت است.

داس: داس برای کشاورزان و دامداران وسیله‌ای حیاتی و یکی از ابزارهای همراه روستاییان هنگام مراجعه به علفزارها یا کشتزارهای یونجه، گندم و جو اختصاص است. مردم روستایی برای تهیه دستة این وسیله از درختان بید، ازگیل و بلوط استفاده می‌کنند. به گفته آنها بید نسبت به ازگیل و بلوط به مراتب کمتر استفاده می‌شود، چراکه هنگام کار عرق کرده و رشته‌های چوبی آن جدا می‌شود و دست را زخمی می‌کند. دسته‌های تهیه‌شده از چوب بلوط و ازگیل در برابر رطوبت و سایش مقاوم و عمر طولانی دارند.

درگز: دستة درگز چوبی با قطر حدود ۴ تا ۵ سانتی‌متر و طول ۱۶۰ سانتی‌متر است که از درختچه چتنه و درخت بید (شکل ۲) تهیه می‌شود. در بیشتر موارد چوب بید به کار می‌رود، زیرا علاوه بر سبک بودن، بر خوش‌دست بودن چوب آن تأکید می‌شود. البته استفاده از این نوع چوب معایبی هم دارد، از جمله زود ساییده شدن در قسمت متصل به آهن. چوب درخت چتنه به سبب استحکام بالا دیرتر ساییده می‌شود، اما به دلیل سنگینی از پایه‌های کم‌قطر انتخاب می‌شود.

چهارشاخه یا شنه: برای ساخت دستة چهارشاخه یا شنه (شکل ۲) از چوب‌های بلوط و ممرز بهره برده می‌شود. طول چوب مورد استفاده ۱۷۰ سانتی‌متر و قطر آن ۴ سانتی‌متر است. دستة این وسیله برای تحمل وزن بسته‌های علوفه به چوب‌های محکم نیاز دارد. کشاورزان از چوب بلوط نسبت به ممرز بیشتر استفاده می‌کنند و بر این نکته تأکید می‌ورزند که اعوجاج چوب‌های بلوط، هنگام جابه‌جا کردن علوفه، مانع از سر خوردن دست می‌شود.

^۱ shana

^۲ بوستان‌های خانگی قطعه‌زمین‌های کوچکی در اطراف هر خانه روستایی است که زنان برای تأمین بخشی از نیازهای معیشتی خانواده‌های خود، محصولاتی همانند لوبیا، کدو تنبل، آفتابگردان و ... در آنها می‌کارند.

چوب درختان بلوط و ممرز بهره برده می‌شود.

عصا: عصای پیرمردان از چوب درختان ازگیل، زغال اخته و ون درست می‌شود. برای ساخت آن، چوب درختان را همراه با پوست در آتش قرار می‌دهند، سپس پوست را از چوب جدا می‌کنند. این عمل سبب خوش‌رنگی، خوش‌فرمی، مقاومت و جلوگیری از ترک برداشتن چوب می‌شود.

جارو: از سرشاخه‌های بسیار نازک درختچه شیرخشت برای درست کردن جارو استفاده می‌شود. جارو کلاً از مواد چوبی ساخته می‌شود، به طوری که برای بستن آن نیز از سرشاخه‌های درختچه هفت کول استفاده می‌شود. سرشاخه‌های درخت هفت کول بسیار انعطاف‌پذیر است و حتی می‌توان بدون شکستن، آنها را گره زد. از این وسیله خانگی برای جارو کردن طویله‌ها و حیاط خانه‌ها استفاده می‌شود.

نردبان: نردبان باید سبک و در عین حال محکم باشد؛ بنابراین روستاییان آن را از درخت بید می‌سازند. طول پایه‌های نردبان حدود دو و نیم تا سه متر است که از درختان بید ساخته می‌شود. پله‌های نردبان نیز از جنس درختان بید و بلوط است؛ به قطر ۴ سانتی‌متر که در فاصله ۴۰ سانتی‌متر نسبت به هم قرار می‌گیرند.

سبد: یکی از وسایلی که در گذشته بسیار ساخته می‌شده و در حال حاضر از رونق افتاده، سبد است. این وسیله از سرشاخه‌های بسیار نازک درختچه هفت کول بافته می‌شده و اندازه آن در حدود زنبیل بوده است. بیشتر زنان روستایی از این زنبیل برای حمل میوه‌های جنگلی استفاده می‌کردند. همچنین در برخی موارد در دامداری هم دو سبد را همانند خورجین به هم متصل می‌کردند و روی الاغ قرار می‌دادند و میش‌های کوچک که توانایی راه رفتن نداشتند، با آن حمل می‌شدند.

شعله روشنایی: تا ده سال پیش که در منطقه برق وجود نداشت، از چوب بلوط برای روشنایی در شب استفاده می‌شد. به گفته افراد مسن برای این کار

ابتدا چوب‌های بلوط به طول حدود ۶۰ سانتی‌متر و قطر ۵ سانتی‌متر انتخاب می‌شد. سپس یک سر این چوب را به اندازه ۱۵ سانتی‌متر روی تخته‌سنگ قرار می‌دادند و با پتک آهنی می‌کوبیدند، به نحوی که چوب کاملاً له شود. در این حالت آماده روشن شدن بود و ماندگاری شعله آن طولانی بود.

* **دانش سنتی استفاده از چوب در ساختمان:** براساس مشاهدات مردم محلی، درخت افرا و درختان بلوط دامنه‌های پشت به آفتاب دارای ارتفاع بالایی است. تنه این درختان به‌عنوان تیر چوبی و ستون ساختمان یا دیگر مصارفی که به تیرهای دارای طول زیاد نیاز است، استفاده می‌شود.

به گفته روستاییان چوب‌های حاصل از تنه و شاخه‌های سه درخت افرا، ملج و گردو هنگام قطع نرم، اما پس از خشک شدن محکم و سخت می‌شوند. بنابراین برای ستون (دیرج^۱) و تیر خانه‌ها به کار می‌روند. تنها عیب چوب درخت گردو، هجوم مورچه‌ها هنگام تر شدن آن (حتی به‌اندازه چند سانتی‌متر مربع) است؛ به این علت، کمتر از این درخت به‌عنوان مصالح ساختمانی استفاده می‌شود. براساس تجربه اهالی روستای کلاتور، چوب درخت آردوج، مقاوم‌ترین و سخت‌ترین چوب موجود در منطقه است، به طوری که اگر به‌عنوان ستون استفاده شود و قسمتی از آن در خاک مدفون باشد، هیچ‌گونه آثار پوسیدگی (حتی پس از بیست سال) مشاهده نمی‌شود. چوب بلوط نیز استحکام خوبی در مقابل سایش و رطوبت دارد و به‌علت وفور آن در منطقه و دسترسی راحت به آن، بیشتر مردم سعی می‌کنند از چوب آن بهره بگیرند. براساس دانش و تجربه مردم محلی، چوب درخت ممرز، به‌عنوان مصالح ساختمانی، در مدت زمان کوتاهی ترک برمی‌دارد و استحکام زیادی ندارد.

تیر: یکی از مصالح اصلی سقف ساختمان‌ها را در روستاها تشکیل می‌دهد. تیرها چوب‌هایی با قطر ۲۰ تا ۳۰ سانتی‌متر و طول ۳ مترند که از درختان

^۱ dirah

بیشتر در داخل دیوارها و به‌موازات ضلع بالایی پنجره‌ها و درها قرار می‌گیرند. این چوب‌ها با هدف جلوگیری از ریزش دیوار و همچنین تحمل وزن بخشی از دیوار در محل قرارگیری در و پنجره، در دیوارها تعبیه می‌شوند. برای ساخت پلوار از درختان ممرز و بلوط و افرا استفاده می‌شود.

ویغل: ویغل شبیه نردبان است، اما برای افزایش پایداری دیوارهای سنگی با ملات گلی، درون آنها قرار می‌گیرد. در هر ۹۰ سانتی‌متر از طول دیوار، یک ردیف ویغل دورتادور کلیه دیوارهای اتاق گذاشته می‌شود. این ویغل‌ها شبیه آرماتور عمل می‌کنند و مانع از فروپاشی دیوارها می‌شوند. همچنین دیوار را در مقابل زلزله مسلح می‌کنند. اصولاً برای ساخت ویغل‌ها از چوب درختان بید و بلوط استفاده می‌شود.

خوش‌فرم افرا و ملج و بید تهیه می‌شود.

دیرج: دیرج نام ترکی ستون است. ستون‌ها اغلب در اتاق‌هایی به شکل مربع و اضلاع بزرگ‌تر از ۳ متر به کار می‌روند. قطر این چوب‌ها ۳۰ تا ۳۵ سانتی‌متر است و دو و نیم تا سه متر طول دارند. مردم محلی بیشتر از چوب‌های محکم درختان بلوط و ملج برای ساخت دیرج استفاده می‌کنند.

خیچا: نوعی ستون را که در قسمت فوقانی دوشاخه است، خیچا می‌نامند. این دوشاخه مانع از سر خوردن تیر و جابه‌جایی آن می‌شود. اغلب در بالکن‌های روستایی استفاده می‌شود. طول آن ۲/۵ تا ۳ متر و قطر آن ۲۵ تا ۳۰ سانتی‌متر است. برای ساخت خیچا، در بیشتر موارد از چوب درختان بلوط استفاده می‌شود، البته در مواردی که میزان بار وارده روی خیچاها کم باشد، از چوب درختان بید هم استفاده می‌شود.

پلوار: چوب‌هایی با سطح مقطع مستطیلی که



دوغنخ



شنه



درغز



چتر



شل

شکل ۲- برخی کاربردهای چوب و برگ درختان در منطقه پژوهش

نوعی از چپرها هستند (شکل ۲). برای این کار از چوب ممرز استفاده می‌شود که دارای شاخه‌های سرراست و نازک است. این دیوارها اصولاً برای احداث محل پخت نان ساخته می‌شوند تا دود تنور، از میان چوب‌های بافته‌شده، خارج شده و به‌خوبی تهویه شود.

* استفاده‌های دارویی از درختان و درختچه‌ها

ساکنان محلی در ارسباران با بهره‌گیری از تجربه‌های پیشینیان، گیاهان دارویی را برای درمان و پیشگیری بیماری‌ها استفاده می‌کنند. در مجموع، طب سنتی و باورهای مردمی در مورد گیاهان دارویی در منطقه مورد مطالعه از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. گونه‌های معرفی‌شده در جدول ۱ در طب سنتی کاربرد فراوانی دارند و در منطقه مورد مطالعه توسط افراد خبره، مصرف یا به دیگران توصیه می‌شوند. روستاییان در مجموع از هشت گونه درخت جنگلی برای پیشگیری و درمان بیماری‌ها استفاده می‌کنند.

چرپی: پس از تغذیه دام‌های کوچک از برگ‌های شل، سرشاخه‌های نازک بدون برگ را چرپی می‌نامند. چرپی‌ها، به‌جای تخته در سقف طویل‌ها، بر روی تیرها قرار می‌گیرند و سپس روی آن گل می‌ریزند. استفاده دیگری که از چوب درختان جنگلی صورت می‌گیرد، به‌کار گرفتن آنها به‌عنوان حصار اطراف باغ‌های میوه روستا و بوستان‌های خانگی است. اهالی روستای کلاثور دور تا دور باغ‌ها را با سرشاخه‌های درختان سیاه‌تلو چپر کرده‌اند. به‌گفته اهالی، گاوهای در حال چرا در اطراف باغ‌ها به‌علت خارهای این سرشاخه‌ها، از آنها دوری می‌کنند. پایه‌های صاف و سرراست ممرز به ارتفاع ۱۵۰ و قطر ۵ سانتی‌متر و فاصله یک تا یک و نیم متر برای نگهداری سرشاخه‌های سیاه‌تلو استفاده می‌شوند. زنان روستایی نیز از این خاصیت درختان سیاه‌تلو و ممرز برای حصارکشی اطراف بوستان‌های خانگی بهره می‌گیرند. دیوارهایی که کلاً از چوب بافته شوند نیز

جدول ۱- گونه‌های درختی و درختچه‌ای دارای خاصیت دارویی در منطقه پژوهش

ردیف	نام گونه	اندام مورد استفاده	زمان برداشت	نحوه استفاده	مقدار مصرف	خاصیت دارویی
۱	ازگیل	ریشه و پوست	کل ایام سال	جوشانده	نصف مشت دست	درمان عفونت زنانه، جلوگیری از سقط جنین
۲	آقطی	ریشه، برگ و گل	بهار و تابستان	جوشانده	نصف مشت دست	جلوگیری از عفونت زخم‌ها و کمک به دفع ادرار
۳	زالزالک	دانه میوه	مرداد- شهریور	جوشانده	نصف تا یک قاشق	رفع و درمان ادرار خونی
۴	پیرو	میوه و برگ	تابستان	میوه به‌صورت خام و برگ‌ها به‌صورت جوشانده	میوه خام: ۵ تا ۱۰ عدد، جوشانده: یک سوم مشت دست	رفع سنگ کلیه، برطرف کردن ناراحتی‌های زنانه
۵	قره‌قات	میوه	تابستان	خام	یک پیاله کوچک	کمک به تنظیم فشار خون، کمک به گردش جریان خون و کمک به تصفیه خون
۶	آلوچه جنگلی	میوه	خرداد - مرداد	خام	یک پیاله از میوه له‌شده	درمان درد مفاصل، درمان سوختگی، کمک به بهبود زخم دام‌ها
۷	نسترن وحشی	میوه	تابستان	خام یا جوشانده	میوه خام: نصف پیاله، جوشانده میوه: نصف پیاله	تصفیه خون، تسکین درد معده و اشتهاآور
۸	زغال‌اخته	میوه	شهریور	خام	نصف پیاله	التیام سردرد، درد مفاصل و معده

درختان جنگلی را مشاهده کرد. همان‌گونه که دیده می‌شود گونه‌های بلوط در پنج گروه استفاده، ممرز در چهار گروه استفاده، کرب، زالزالک و بید در سه گروه استفاده، سفید کرکو، زغال‌اخته، پیرو، سیاه‌تلو، ازگیل و آلوچه جنگلی در دو گروه استفاده و گونه‌های هفت‌کول، آردوج، قره‌قات، گردو، زبان‌گنجشک، نسترن وحشی، شیرخشت و ملج در یک گروه استفاده می‌شوند.

هر درخت جنگلی با توجه به خصوصیتی که دارد، برای درمان بیماری خاصی در نظر گرفته می‌شود؛ اما در برخی موارد اندام درختان مختلف خواص دارویی یکسانی دارند. در بیشتر موارد، از میوه درختان به‌عنوان اندام دارویی بهره گرفته می‌شود.

انواع استفاده از درختان جنگلی

کلیه گونه‌های مورد اشاره در بخش‌های قبل، در جدول ۲ درج شده‌اند. در یک نگاه کلی از گروه‌های استفاده‌ای، می‌توان مجموع استفاده‌های افراد محلی از

جدول ۲- فهرست گونه‌های درختی و درختچه‌ای مورد استفاده در منطقه پژوهش

تعداد مصارف	نوع مصرف	نام علمی	نام محلی گونه	نام فارسی گونه	ردیف
***	سوختی، علوفه‌ای، ساختمان	<i>Acer campestre</i>	تلین	کرب	۱
**	سوختی، علوفه‌ای	<i>Acer hyrcanum</i>	ککین	سفید کرکو	۲
*	دارویی	<i>Sambucus ebulus</i>	گیندل	آق‌طی، پلم	۳
*	ساخت ابزار	<i>Viburnum lantana L.</i>	گرمشو	هفت‌کول	۴
**	دارویی، ساخت ابزار	<i>Cornus mas L.</i>	زوغال	زغال‌اخته	۵
****	سوختی، علوفه‌ای، ابزار، حصار	<i>Carpinus betulus L.</i>	آلاس	ممرز	۶
**	ابزار، دارویی	<i>Juniperus communis L.</i>	چتنه	پیرو	۷
*	ساختمان	<i>Juniperus foetidissima</i>	آردیش	آردوج	۸
*****	سوختی، علوفه‌ای، دارویی، ابزار، ساختمان	<i>Quercus macranthera</i>	پالط	بلوط اوری	۹
*	دارویی	<i>Ribes biebersteinii</i>	قره‌غات	قره‌قات	۱۰
*	ساختمان	<i>Juglans regia L.</i>	گیردکان	گردو	۱۱
*	ابزار	<i>Fraxinus excelsior</i>	ون	زبان‌گنجشک	۱۲
**	ساختمان، حصار	<i>Paliurus Spina Christi Miller</i>	قره تیکان	سیاه‌تلو	۱۳
**	ابزار، دارویی	<i>Mespilus germanica L.</i>	ازگیل	ازگیل	۱۴
***	سوختی، دارویی، علوفه‌ای	<i>Crataegus monogyna</i>	بمیشان	زالزالک	۱۵
**	علوفه‌ای، دارویی	<i>Prunus spinosa L.</i>	آلچا	آلوچه جنگلی	۱۶
*	دارویی	<i>Rosa canina L.</i>	ایت بیرونی	نسترن وحشی	۱۷
*	ابزار	<i>Cotoneaster Manna</i>	چالقی	شیرخشت	۱۸
***	علوفه‌ای، ابزار، ساختمان	<i>Salix alba</i>	پیشیم پیشیم	بید	۱۹
*	ساختمان	<i>Ulmus glabra</i>	قره‌آعاج	ملج	۲۰

بحث

دسترس قرار گرفتن نفت و کپسول‌های گاز در روستاها، تا حدودی محدود شده است، با وجود این باز هم مقدار استفاده شایان توجه است. دانش روستاییان در این مورد را می‌توان به بخش‌های

در ارسباران قسمت اعظم چوب سوختی برای گرمایش، استحمام و فراوری مواد لبنی استفاده می‌شود. این استفاده در سال‌های اخیر به دلیل در

استفاده شود؛ (Avatefi Hemmat, 2006) استفاده‌های کشاورزی از چوب درختان جنگلی در روستای چتن را شامل قیم، روشا، پایه، اجار، تلی کنار و لارده بس آورده است.

در خانه‌سازی اهالی منطقه پژوهش، چوب درختان در ساخت تیر، ستون، چپر و ... به کار می‌روند که از گونه‌های بید، بلوط، ممرز افرا و ملج گرفته می‌شود. مردم محلی درختان را براساس طول تنه و شاخه آنها و همچنین مقاومت و استحکام در برابر تحمل بار و پوسیدگی، انتخاب می‌کنند. نکته‌ای که در این تحقیق بسیار جلب توجه می‌کند دانش غنی مردم در خصوص خواص دارویی گیاهان است، به طوری که همه مردم اعم از پیر و جوان، زن و مرد، باسواد و بی‌سواد بیشتر درختان دارویی و روش استفاده دارویی از آنها را می‌دانند. به نظر می‌رسد نبود جاده‌های ارتباطی مناسب و همچنین فاصله زیاد روستاها با مناطق شهری و دسترسی به پزشک موجب شکل‌گیری دانش قوی در مورد گیاهان دارویی و طریقه استفاده از آنها شده است. در منطقه مورد بررسی، اهالی از هشت گونه درختی متعلق به پنج تیره استفاده می‌کنند. نتایج پژوهش (Alavi et al. (2011 در شهرستان نکا استان مازندران نشان می‌دهد در کل ۲۱۰ گونه متعلق به ۴۷ تیره در منطقه مورد مطالعه وجود دارد که از بین تیره‌های شناسایی شده ۳۰ تیره دارای ۷۶ گونه دارویی‌اند، که از این تعداد ۲۴ گونه مرتعی و شش گونه درخت و درختچه‌ای مورد بهره‌برداری و استفاده سنتی اهالی قرار می‌گیرد.

در جمع‌بندی کلی می‌توان گفت که استفاده‌های مردم محلی از چوب، برگ و سایر اندام‌های درختان جنگلی در پنج بخش استفاده‌های سوختی، علوفه‌ای، دارویی، ساخت ابزار و مصالح ساختمانی است. در کل، مردم محلی از ۲۰ گونه چوبی متعلق به ۱۳ تیره برای استفاده‌های مختلف بهره می‌گیرند. در این میان تیره Rosaceae با داشتن ۵ گونه مورد استفاده، بیشترین

مختلف شامل زمان جمع‌آوری هیزم، مکان جمع‌آوری هیزم، بهترین درختان از نظر هیزم تولیدی و استفاده از بقایای سرشاخه‌های چراشده به عنوان هیزم نسبت داد. مردم در رابطه با بهترین درختان از نظر هیزم تولیدی، معیارهای خاصی را از نظر تولید گرمای زیاد، مدت زمان سوختن چوب درخت، تولید دود و سروصدا هنگام سوختن و ... در نظر می‌گیرند. سعی می‌شود که از تمام قسمت‌های مواد برداشتی از جنگل استفاده شود. برای مثال چرپی‌ها در مکانی در فضای آزاد نگهداری می‌شوند و پس از خشک شدن، آنها را برای آتش افروختن و گرم کردن تنور به کار می‌برند. البته استفاده از آنها در کنار فضولات خشک و آماده‌شده حیوانی صورت می‌گیرد.

یکی از منابع تأمین علوفه دام‌ها، برگ‌ها و میوه درختان و درختچه‌های جنگلی است، چراکه پوشش علفی کف جنگل نمی‌تواند جوابگوی نیاز دام‌ها باشد. از این رو دامداران و دام‌ها ناچار از برگ و سرشاخه‌ها و میوه درختان و درختچه‌ها استفاده می‌کنند (Jazirehi & Ebrahimi Rostaghi, 2003). در روستاهای مورد بررسی بیشتر از برگ درختان افرا، ممرز، سفید کرکو و ون برای تغذیه دام‌ها استفاده می‌شود و این استفاده بیشتر برای دام‌های نابالغ است. البته میوه بلوط هم به صورت محدود در عرصه مورد تعلیف قرار می‌گیرد.

ابزار چوبی در ارسباران بیشتر در زمینه دامداری، کشاورزی و وسایل خانگی به کار می‌روند. عوامل مؤثر در انتخاب چوب انواع درختان برای ابزارهای مختلف عبارت‌اند از: استحکام، خمش‌پذیری، وزن چوب و راست بودن شاخه‌ها. در ابزارهای کشاورزی سعی می‌شود تا حد ممکن از درختان با چوب سبک

استفاده سوختی، علوفه‌ای، دارویی، ساخت ابزار و ساختمان به کار می‌رود. سپس درخت ممرز است که به چهار منظور از آن بهره گرفته می‌شود. به نظر می‌رسد تنوع استفاده‌ها به دلیل وفور این دو گونه در منطقه و خواص چندگانه و متنوع چوب آن‌ها است. همچنین در ارسباران درخت بید به دلیل سبکی نقش کلیدی در ساخت ابزار مورد استفاده مردم دارد. استفاده غذایی از درختان جنگلی و استفاده از سایر رستنی‌های غیرچوبی در گزارش‌های جداگانه‌ای بررسی خواهند شد.

سهم را در برآورد نیازهای روستاییان دارد. از نظر تأمین چوب گونه‌های مختلف برای یک بخش استفاده، مردم محلی با بهره‌گیری از چوب ۹ گونه متنوع در بخش ساخت ابزار، بیشترین استفاده را در این بخش دارند. اما در بخش استفاده دارویی هم از ۸ گونه درخت بهره گرفته می‌شود که بیانگر نقش مهم درختان در برطرف کردن نیازهای درمانی مردم روستایی ارسباران است. در این منطقه همانند بسیاری دیگر از مناطق جنگلی کشور در زاگرس و شمال ایران، گونه بلوط بزرگ‌ترین تأمین‌کننده چوب و علوفه برای استفاده‌های مختلف است که برای پنج

References

- Agrawal, A. (1995). Dismantling the divide between indigenous and scientific knowledge. *Development and change*, 26, 413-439.
- Alavi S. Z., Rabie, E., Saeedi Goraghani H. R., Ghordoye Milan GH. (2011). Assessment of use traditional and native medicinal plants in the North of Iran (case study: series 81 and 83 forestry project of natural resources department of Mazandaran-Sari). *Journal of Herbal Drugs*, 2(2), 113-120.
- Avatefi Hemmat, M. (2006). *Investigation on rural people's knowledge about their natural resources surrounding (case study, Chitan)*. A thesis submitted to the Graduate Studies Office in partial fulfillment of the requirements for the degree of Master of Science in Forest Management. University of Tehran.
- Bazgir, A., Namirani, M., and Avatefi Hemmat, M. (2015). The role of Zagros forests in providing fuel wood for forest dwellers (Case study: Kakasharaf rural district of Khorramabad). *Iranian Journal of Forest*, 7(2), 225-242.
- Berkes, F., Colding, J., & Folke, C. (2000). Rediscovery of traditional ecological knowledge as adaptive management. *Ecological applications*, 10(5), 1251-1262.
- Charnley, S., Fischer, A.P., & Jones, E.T. (2007). Integrating traditional and local ecological knowledge into forest biodiversity conservation in the Pacific Northwest. *Forest Ecology and Management*, 246 (1), 14-28.
- Davis, A., & Ruddle, K. (2010). Constructing confidence: rational skepticism and systematic enquiry in local ecological knowledge research. *Ecological applications*, 20, 880-894.
- Emadi, M.H. & Abbasi, E. (1999). Indigenous knowledge and sustainable rural development: a long-range view in the new area. In: M.H. Emadi, & E. Abbasi, (Eds.). *Application of indigenous knowledge in sustainable development* (pp. 97-127). Tehran: Village and Development.
- Farhadi, M. (2011). Environmental crisis in Iran and urgency to revise folk knowledge as national culture solutions. *Monthly Social Sciences*, 15(5), 16-31.
- Jazirehi, M.H., and Ebrahimi Rostaghi, M. (2003). *Silviculture in Zagros*. Tehran: University of Tehran Press.

Martins, R., Filgueiras, T., & De Albuquerque, U. (2012). Ethnobotany of *Mauritia flexuosa* (Arecaceae) in a Maroon Community in Central Brazil. *Economic Botany*, 66 (1), 91–98.

Riemer., F.J. (2008). Ethnography research. In S.D. Lapan and ML.T. Quartaroli (Eds.), *Research Essentials: An Introduction to Designs and Practices* (pp. 203-222). San Francisco: John Wiley and Sons.

Sanga., G. & Ortalli, G. (2004). *Nature knowledge: ethnoscience, cognition, and utility*. Oxford: Berghahn Books.

Verlinden., A. & Dayot, B. (2005). A comparison between indigenous environmental knowledge and a conventional vegetation analysis in north central Namibia. *Journal of Arid Environments*, 62:143-175.



Symbiosis with forest: Traditional ecological knowledge of Arasbaran forest dwellers in using the trees

B. Khaleghi¹, M. A. Hemmat^{2*}, T. Shamekhi³, and A. Shirvani²

¹ PhD. Student, Department of Forestry, University of Tehran, Karaj, Iran.

² Assistant Prof. Department of Forestry, University of Tehran, Karaj, Iran.

³ Prof. Department of Forestry, University of Tehran, Karaj, Iran.

(Received: 16 April 2016, Accepted: 8 January 2017)

Abstract

Indigenous knowledge is an accumulated knowledge, skills and techniques of a specific communities derived from the direct involvement with the given environment. This study aimed to evaluate the knowledge of local communities on the use of forest trees in Arasbaran forests. The study areas were villages of Kalasour, Kharil, Khoinarud, and Balan located in Kaleybar city and Vayghan village located in Khoda-afrin city. The study was conducted by using ethnography methods and data was collected using semi-structured and un-structured interviews and participatory observation techniques. The results showed that the local knowledge in relation to the use of various parts of the forest trees was categorized in five types including fuel, fodder, medicinal, instruments, and construction materials. This knowledge used for making agricultural, animal husbandry and household instruments facilitated the villagers' subsistence. The local people use 20 woody species for all categories and 8 woody species for medicinal uses. Rosaceae family and oak species have the highest uses in the communities. The knowledge available for mentioned practices are rich and diverse which is due to the availability of alternative sources for some applications and also the level of easy access to the different kinds of trees for different uses.

Keywords: Arasbaran Forest, Indigenous knowledge, Kalasur, Khoinarud, Non timber forest products, Turkish Language.